

The Relationship between Effortful Control and Vengeful Tendency in Adolescents: The Mediating role of Empathy

Sara Taravian¹, Fariborz Nikdel^{2,*}, Ali Taghvaei nia³

¹MA in Educational Psychology, University of Yasouj, Yasouj, Iran

²Associate Professor, Department of Psychology, University of Yasouj, Yasouj, Iran

³Associate Professor, Department of Psychology, University of Yasouj, Yasouj, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 15 Sep 2024

Revised: 7 Mar 2025

Accepted: 11 Mar 2025

Available online: 24 May 2025

Article Type: Research Article

Keywords

Adolescents; Effortful control; Empathy; Vengeful tendency

Corresponding Author*:

Fariborz Nikdel received his Ph.D. in Educational Psychology from Kharazmi University. He is currently an Associate Professor of Psychology at Yasouj University. His research interests include cognition, emotion, motivation, and behavioral problems. Correspondence concerning this article should be addressed to dr. Nikdel, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Yasouj University, Daneshjoh Street, Faculty of Humanities, Department of Psychology, Postal Code: 74934-75918.

ORCID: 0000-0001-6856-5452

E-mail: Fnikdel@yu.ac.ir

doi: 10.29252/bjcp.18.2.56

ABSTRACT

The vengeful tendency refers to the inclination to retaliate against perceived harm or injustice. This inclination can stem from strong emotions such as anger and resentment. The consequences of a vengeful tendency include creating a cycle of violence and animosity that can damage personal and social relationships, leading to increased tensions and conflicts. Additionally, focusing on revenge can hinder the healing and rebuilding of relationships and the establishment of peace and harmony in society. The purpose of this research was to investigate the mediating role of empathy in the relationship between effortful control and vengeful tendency in adolescents in Shiraz. The research method was descriptive, utilizing structural equation modeling. The statistical population included all high school students. From this population, a sample of 567 individuals was selected using a cluster random sampling method. The Effortful Control Scale (Ellis & Rothbart, 2001), the Toronto Empathy Questionnaire (Spreng et al., 2009), and the Vengeful Tendency Scale (Flores-Camacho et al., 2022) were distributed among the participants. The proposed model was evaluated using path analysis with the help of SPSS-24 and AMOS-24 software. The findings revealed that the proposed model had a good fit with the data. Results indicated that the path effect of effortful control on empathy and empathy on vengeful tendency was significant. However, the path effect of effortful control on vengeful tendency was not significant. Another finding of the research showed that empathy has a mediating role in the relationship between effortful control and vengeful tendency. Therefore, increasing empathy levels is associated with a decrease in the likelihood of revenge-seeking behavior. These results emphasize the importance of cultivating empathy skills alongside other social skills such as effortful control. Fostering empathy can significantly contribute to improving interpersonal relationships, reducing harmful behaviors, and promoting mental health in society.

Citation: Taravian, S., Nikdel, F., & Taghvaei nia, A. (2023/1402). The Relationship between Effortful Control and Vengeful Tendency in Adolescents: The Mediating role of Empathy. *Contemporary Psychology*, 18(2), 56-70. Doi:10.29252/bjcp.18.2.56

رابطه بین مهارگری تلاشگر و گرایش به انتقام در نوجوانان: نقش واسطه‌ای همدلی

سارا طراویان^۱، فریبرز نیکدل^{۲*}، علی تقوایی‌نیا^۳

^۱ کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

^۲ دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

^۳ دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

اطلاعات مقاله

دریافت: ۲۵ شهریور ۱۴۰۳

اصلاح نهایی: ۱۷ اسفند ۱۴۰۳

پذیرش: ۲۱ اسفند ۱۴۰۳

انتشار آنلاین: ۳ خرداد ۱۴۰۴

نوع مقاله: پژوهشی

کلیدواژه‌ها

گرایش به انتقام؛ مهارگری تلاشگر؛ نوجوان؛ همدلی

نویسنده مسئول*

فریبرز نیکدل درجه دکتری روان‌شناسی تربیتی خود را از دانشگاه خوارزمی دریافت کرد. در حال حاضر او دانشیار روان‌شناسی دانشگاه یاسوج است. علایق پژوهشی ایشان شناخت، هیجان، انگیزش و مشکل‌های رفتاری است. برای مکاتبه در مورد این مقاله با دکتر نیکدل، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، خیابان دانشجو، دانشکده علوم انسانی، گروه روان‌شناسی کدپستی ۷۵۹۱۸-۷۴۹۳۴ تماس داشته باشید.

ارکید: ۵۴۵۲-۶۸۵۶-۰۰۰۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰

پست الکترونیکی: Fnikdel@yu.ac.ir

چکیده

گرایش به انتقام به معنای تمایل به تلافی کردن آسیب یا بی‌عدالتی تجربه‌شده است. این تمایل می‌تواند از احساس‌های قوی مانند خشم و رنجش ناشی شود. پیامدهای گرایش به انتقام شامل ایجاد چرخه‌ای از خشونت و کینه‌توزی است که می‌تواند روابط فردی و اجتماعی را تخریب کند و به افزایش تنش‌ها و درگیری‌ها منجر شود. همچنین، تمرکز بر انتقام می‌تواند مانع از بهبود و بازسازی روابط و ایجاد صلح و آرامش در جامعه شود؛ هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای همدلی در رابطه بین مهارگری تلاشگر با گرایش به انتقام در نوجوانان شهر شیراز بود. روش پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم بود که از این جامعه، نمونه‌ای به حجم ۵۶۷ نفر به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب و پرسش‌نامه‌های مهارگری تلاشگر (الیس و رتبارت، ۲۰۰۱)، همدلی تورنتو (اسپرنگ و همکاران، ۲۰۰۹) و گرایش به انتقام (فلورس-کاماچو و همکاران، ۲۰۲۲) در میان آنان توزیع گردید. ارزیابی مدل پیشنهادی با استفاده از تحلیل مسیر و با کمک نرم افزارهای SPSS-24 و AMOS-24 انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد الگوی پیشنهادی از برازش خوبی با داده‌ها برخوردار است. همچنین نتایج نشان داد اثر مسیر مهارگری تلاشگر به همدلی و همدلی به گرایش به انتقام معنادار بود. اما اثر مسیر مهارگری تلاشگر به گرایش به انتقام معنادار نبود. دیگر یافته پژوهش نشان داد همدلی در رابطه بین مهارگری تلاشگر و گرایش به انتقام نقش واسطه‌ای کامل دارد؛ بنابراین، افزایش سطح همدلی با کاهش احتمال انتقام‌جویی همراه بود. این نتایج بر اهمیت پرورش مهارت‌های همدلی در کنار سایر مهارت‌های اجتماعی مانند مهارگری تلاشگر تأکید می‌نماید. پرورش همدلی می‌تواند به بهبود روابط بین‌فردی، کاهش بروز رفتارهای آسیب‌زا و ارتقای سلامت روان جامعه کمک شایانی کند.

مقدمه

موفقیت‌های بیشتری را تجربه می‌کنند. در مقابل، نوجوانانی که در خانواده‌هایی با جو انتقادی، بی‌تفاوت یا بی‌توجه بزرگ می‌شوند، اغلب احساس می‌کنند که ارزش و اهمیتی ندارند.

احساس بی‌ارزشی می‌تواند منجر به کاهش انگیزه و کاهش موفقیت در زمینه‌های مختلف زندگی شود. علاوه بر آن، چنین نوجوانانی ممکن است احساس کنند که به اندازه کافی دیده نمی‌شوند و نیازهایشان برآورده نمی‌شود. این احساس محرومیت می‌تواند منجر به بروز احساس‌های منفی مانند خشم، کینه و تمایل به انتقام‌جویی شود. به عبارت دیگر، نوجوانانی که موفقیت و سازگاری کمتری دارند، به دلیل احساس‌های منفی ناشی از عدم حمایت و درک، بیشتر مستعد

نوجوانی، دوره‌ای پرتلاطم در رشد و تحول انسان است که اغلب به عنوان «دوره طوفانی» توصیف می‌شود. این مرحله، گذار مهمی بین کودکی و بزرگسالی محسوب می‌شود. در طول زندگی، افراد مراحل رشد مختلفی را تجربه می‌کنند که هر کدام ویژگی‌های منحصر به فردی از نظر روانی، فیزیولوژیکی و اجتماعی-فرهنگی دارد (اوزان، ۲۰۱۸). دنیز (۲۰۰۶) استدلال می‌کند که رابطه نوجوان با والدین تأثیر عمیقی بر موفقیت‌های او در زندگی دارد. نوجوانانی که در محیطی گرم، حمایت‌گر و درک‌کننده رشد می‌کنند، معمولاً از خودباوری و اعتماد به نفس بالاتری برخوردارند و در نتیجه،

در مبنای نظری انتقام‌جویی اشاره شده‌است که مهارگری تلاشگر^۴ می‌تواند انتقام‌جویی را کاهش دهد. انتقام‌جویی اغلب به عنوان ناتوانی در مهارگری تلاشگر، به‌ویژه خشم و کینه، تفسیر می‌شود. این یعنی فرد قادر نیست انگیزه‌های تهاجمی ناشی از این هیجان‌ها را مهار کند و در نتیجه، به رفتارهای انتقام‌جویانه دست می‌زند (دنسون و همکاران، ۲۰۱۲؛ دی‌وال و همکاران، ۲۰۱۱). مهارگری تلاشگر، یکی از ابعاد توجه اجرایی^۵ است که به عنوان کارآمدی عملکردهای اجرایی شناخته می‌شود. این مفهوم شامل توانایی کنترل ارادی توجه، مهار پاسخ‌های خودکار و تنظیم هیجان‌ها است (رتبارت و بیتس، ۲۰۰۷). به عبارت دیگر، مهارگری تلاشگر مجموعه‌ای از مهارت‌های خودتنظیمی است که به فرد اجازه می‌دهد تا توجه خود را هدایت کند، پاسخ‌های تکانشی را مهار کند و واکنش‌های هیجانی خود را تعدیل نماید (رتبارت و بیتس، ۲۰۰۷). مهارگری تلاشگر که از دوران نوزادی آغاز می‌شود (ایزنبرگ و همکاران، ۲۰۱۰؛ جنی، ۲۰۲۱)، تأثیرهای بلندمدتی بر روابط بین فردی (بلیر و راور، ۲۰۱۵؛ گرازینو و همکاران، ۲۰۰۷؛ هارینگتون و همکاران، ۲۰۲۰)، تاب‌آوری و مهارت‌های مقابله‌ای (شین و کمپس، ۲۰۲۰)، رفتار (ایزنبرگ و همکاران، ۲۰۰۹؛ گرازینو و همکاران، ۲۰۰۷؛ هیل و همکاران، ۲۰۰۶؛ پری و همکاران، ۲۰۱۷)، عملکرد تحصیلی (بلیر و راور، ۲۰۱۵؛ بلنکسون و همکاران، ۲۰۱۷) و سلامت جسمانی (کالینز و همکاران، ۲۰۱۹؛ لونگ و همکاران، ۲۰۱۴) دارد. پژوهش بارکلی و همکاران (۲۰۱۴) نیز از این یافته‌ها حمایت می‌کند.

همچنین سطح بالایی از مهارگری تلاشگر افراد را قادر می‌سازد تا واکنش‌های خشم خود را در هنگام مواجهه با یک موقعیت بالقوه تحریک‌کننده (مانند انتقام‌جویی) مهار کند. افرادی که مهارگری تلاشگر پایینی دارند، برخلاف آن‌هایی که مهارگری تلاشگر بالایی دارند، به عنوان خودمحور، تکانشگر، تندخو و بی‌تفاوت نسبت به درد و رنج دیگران شناخته می‌شوند (گاتفرسون و هیرشی، ۱۹۹۰). آن‌ها همچنین آستانه تحمل پایین‌تری در برابر ناامیدی دارند و رضایت فوری را ترجیح می‌دهند. در نتیجه افرادی که مهارگری تلاشگر ضعیفی دارند به‌سختی می‌توانند از تمایل خود به انتقام‌جویی جلوگیری کنند (رستاباگ و همکاران، ۲۰۱۵). در این راستا، پژوهش بالیت و پرونک (۲۰۱۶) و برنت و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند که مهارگری تلاشگر قادر به مهار رفتارهای انتقام‌جویانه است.

پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که همدلی^۵ با گرایش به انتقام مرتبط است (جیامارکو و ورنون، ۲۰۱۴؛ تریودی - بیتمن و کوک، ۲۰۲۲). همدلی، به‌صورت توانایی و مهارت درک حالت‌ها یا

تجربه‌کردن گرایش به انتقام^۱ هستند. این نوجوانان ممکن است از طریق انتقام‌جویی تلاش کنند تا احساس قدرت و کنترل بیشتری بر زندگی خود داشته باشند و یا به‌نوعی به کسانی که به آن‌ها آسیب زده‌اند، ضربه بزنند (دنیز، ۲۰۰۶).

انتقام^۲، پدیده‌ای جهانی و مهم در روابط بین فردی است که می‌توان آن را تلاش برای واردکردن رنج به کسانی که به دیگری آسیب رسانده‌اند، توصیف کرد (جکسون و همکاران، ۲۰۱۹؛ الشات و همکاران، ۲۰۱۵؛ الستر، ۱۹۹۰). رویکردهای جدیدتر، انتقام را پاسخی شخصی به رفتار ناعادلانه یا اقدام‌های زیان‌باری می‌دانند که در واکنش به یک آسیب انجام می‌شود (گلیپتزر و دنزلز، ۲۰۰۹؛ پوشیمورا، ۲۰۰۷). از این منظر، انتقام تلاش برای جبران آسیب بین فردی از طریق انجام عمدی یک عمل تهاجمی علیه فرد آسیب‌زننده تعریف می‌شود (مک‌کالو و همکاران، ۲۰۰۱). برخی معتقدند بازگرداندن آسیب وارده، نه تنها تأیید اجتماعی برای انتقام‌جو فراهم می‌کند، بلکه می‌تواند مانع از تکرار رفتارهای نادرست شود (ایزنبرگ و همکاران، ۲۰۰۴). پژوهش‌های فزاینده‌ای نشان می‌دهند که گرایش به انتقام با انواع پیامدهای روانی نامطلوب مرتبط است. این پیامدهای نامطلوب شامل عاطفه منفی و افسردگی بیشتر و همچنین کاهش رضایت از زندگی است (مک‌کالو و همکاران، ۲۰۰۱؛ ایسلدیک و همکاران، ۲۰۰۷). میل شدید برای انتقام و تمایل بیشتر برای عمل به این خواسته‌ها نیز با علائم اختلال استرس پس از سانحه و عوارض روان‌پزشکی همراه است (کاردوزو و همکاران، ۲۰۰۳). در یک بررسی طولی، کاهش انگیزه‌های انتقام در یک روز معین با رضایت بیشتر از زندگی، خلق و خوی مثبت بیشتر و علائم روان‌تنی کمتر در روز بعد مرتبط بود (بونو و همکاران، ۲۰۰۸).

در نهایت، روند انتقام را می‌توان همراه با بدتر شدن سلامت روانی افراد توضیح داد. افراد در فرایند انتقام، احساس‌های پیچیده زیادی دارند. فردی که تصمیم می‌گیرد از متخلف انتقام بگیرد، شروع به برنامه‌ریزی با جزئیات می‌کند (باربر و همکاران، ۲۰۰۵). افکار دقیق در مورد انتقام، اضطراب فرد را افزایش می‌دهد و کشاکش شدید او را عصبانی می‌کند (بوشمن، ۲۰۰۲). فردی که از مراحل تفکر و برنامه‌ریزی برای انتقام، جان سالم به در برده است، می‌خواهد بلافاصله انتقام خود را بگیرد. بنابراین، پس از یک مرحله فکر و برنامه‌ریزی طولانی، انتقام گیرنده نمی‌تواند شدت واکنش‌هایش را تنظیم کند و ممکن است رفتارهای مخربی را از خود نشان دهد که برای خود و اطرافیان بسیار زیان‌آور است (باومیستر، ۱۹۹۷).

⁴ executive attention

⁵ empathy

¹ vengeful tendencies

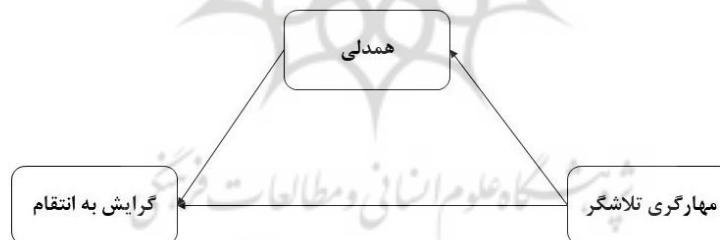
² revenge

³ effortful control

می‌توان گفت که همدلی پایین به عنوان یک عامل خطر برای بروز رفتارهای انتقام‌جویانه شناخته می‌شود.

برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که همدلی می‌تواند توسط مهارگری تلاشگر پیش‌بینی شود (هیرتلنر و همکاران، ۲۰۲۳؛ وانگ و همکاران، ۲۰۱۲). همدلی با توانایی افراد در کنترل تکانه‌ها و رفتارهای خود (مهارگری تلاشگر) ارتباط مستقیمی دارد. به عبارت دیگر، افرادی که مهارگری تلاشگر بالاتری دارند، معمولاً توانایی بیشتری در درک احساس‌های دیگران و همدلی با آن‌ها نشان می‌دهند. این ارتباط مثبت نشان می‌دهد که مهارگری تلاشگر می‌تواند به عنوان عاملی تقویت‌کننده همدلی عمل کند (تنگسی و همکاران، ۲۰۰۴؛ پیلارسکا و باومیستر، ۲۰۱۸؛ جاواکیشویلی و وازسونی، ۲۰۲۲؛ مکی و همکاران، ۲۰۲۱؛ ناروی و همکاران، ۲۰۲۱). با این حال، پژوهش‌ها همچنین به رابطه معکوس بین مهارگری تلاشگر پایین و کاهش همدلی اشاره می‌کنند. افرادی که در مهارکردن خواسته‌های آنی و توجه به عواقب بلندمدت اعمال خود مشکل دارند، اغلب در درک و همدلی با رنج دیگران نیز با چالش مواجه می‌شوند. این افراد ممکن است به دلیل تمرکز بیش از حد بر نیازها و خواسته‌های شخصی خود، توانایی کافی برای توجه به احساس‌ها و نیازهای دیگران را نداشته باشند (کلاپویک و همکاران، ۲۰۱۷).

شرایط عاطفی شخص دیگر یا مهارت قراردادن خود در موقعیت شخص دیگر تعریف شده‌است (تیلور و همکاران، ۲۰۱۳). برخی از پژوهشگران خاطرنشان کرده‌اند که احساس نگرانی نسبت به دیگران، قصد آسیب‌رساندن به دیگران را مهار می‌کند (ایزنبرگ و همکاران، ۱۹۹۸؛ کارلو و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین با توجه به فرضیه نوع دوستی همدلی که توسط باتسون و همکاران (۱۹۸۷) ارائه شد، هنگامی که افراد شاهد رنج و بدبختی دیگران هستند، سطح بالایی از همدلی باعث می‌شود که آن‌ها احساس دلسوزی کرده و این احساس دلسوزی منجر به اجرای رفتارهای جامعه‌پسند می‌شود؛ بنابراین، درک احساس‌ها و تجربه‌های دیگران، یعنی همدلی، به عنوان عاملی کلیدی در روابط اجتماعی و رشد اخلاقی شناخته می‌شود (واچون و همکاران، ۲۰۱۴). مطالعه‌ها نشان می‌دهند که افراد با سطح بالای همدلی، تمایل کمتری به رفتارهای خشونت‌آمیز و انتقام‌جویانه دارند (جولیف و فارینگتون، ۲۰۰۴؛ میلر و ایزنبرگ، ۱۹۸۸). اما نکته قابل توجه اینجاست که همدلی پایین می‌تواند بستر مناسبی برای بروز رفتارهای انتقام‌جویانه باشد. افرادی که در درک احساس‌های دیگران مشکل دارند، ممکن است نسبت به رنج و درد دیگران بی‌تفاوت باشند و در نتیجه، تمایل کمتری به خودداری از رفتارهای آسیب‌زا داشته باشند. این افراد ممکن است با دیدن رنج دیگران، به جای همدلی، احساس رضایت یا حتی لذت کنند (گانتیو و همکاران، ۲۰۲۱). در نتیجه،



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

مدرسه می‌شوند (ولک و همکاران، ۲۰۲۲؛ لو و همکاران، ۲۰۲۳). در نهایت، پژوهش‌های پیشین نشان دادند که بین مهارگری تلاشگر و همدلی با گرایش به انتقام رابطه وجود دارد، اما به دلیل پیامدهای منفی و گاه پیچیده گرایش به انتقام، از جمله تأثیرهای آن بر روابط اجتماعی، سلامت روانی، و حتی عملکرد فرد در جامعه، این حوزه نیازمند پژوهش‌های گسترده‌تر و عمیق‌تری است (آکین و همکاران، ۲۰۱۲؛ کلمنته و اسپینوزا، ۲۰۲۱؛ جیامارکو و ورنون، ۲۰۱۴؛ تریودی-بیتمن و کوک، ۲۰۲۲). این پیامدها که می‌توانند به شدت زیان‌بار باشند، اهمیت پرداختن به پیش‌بینی‌کننده‌های گرایش به انتقام و عوامل تأثیرگذار بر آن را دوچندان می‌کند.

رفتارهای انتقام‌جویانه در محیط‌های آموزشی، به ویژه در میان نوجوانان، به عنوان یکی از چالش‌های جدی و پرتکرار مطرح است. در مدارس، بسیاری از دانش‌آموزان به دلیل فشارهای روانی، اجتماعی و تحصیلی، به روش‌های تلافی‌جویانه متوسل می‌شوند تا احساس‌های منفی خود را تخلیه کنند. این نوع رفتارها معمولاً در واکنش به تهدیدهای واقعی یا ادراک شده به خودپنداره و جایگاه اجتماعی نوجوانان رخ می‌دهد. نوجوانان در این دوره سنی به دلیل تغییرهای روان‌شناختی و اجتماعی، ممکن است به شدت حساس شوند و برای کوچک‌ترین رفتارها یا کلمه‌های ناپسند، به فکر انتقام بیفتند. این نوع واکنش‌ها نه تنها فضای آموزشی را مخدوش می‌کنند؛ بلکه باعث کاهش کیفیت روابط میان‌فردی و افزایش تنش در محیط

استفاده شد. این پرسش‌نامه‌ها شامل دو بخش هستند: بخش اول متغیرهای دموگرافیک مانند جنسیت، پایه تحصیلی و سن را شامل می‌شود و بخش دوم به گویه‌های اصلی پرسش‌نامه‌ها اختصاص دارد. جزئیات مربوط به هر یک از پرسش‌نامه‌ها در ادامه آورده شده‌است.

پرسش‌نامه مهارگری تلاشگر الیس و رتبارت (۲۰۰۱): این پرسش‌نامه توسط الیس و رتبارت در سال ۲۰۰۱، برای سنجش بُعد مهارگری خلقی نوجوانان تهیه شده‌است. این پرسش‌نامه که ۲۰ گویه دارد، برای اولین بار توسط کرامتی و همکاران (۱۴۰۰) در ایران ترجمه شد. روش نمره‌گذاری به صورت طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (۵) همیشه، (۴) اغلب، (۳) بعضی اوقات، (۲) به ندرت و (۱) هرگز است. همچنین گویه‌های ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۷ و ۲۰ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. حداکثر نمره (۱۰۰)، نشان‌دهنده مهارگری تلاشگر بالا و حداقل نمره (۲۰)، نشان‌دهنده مهارگری تلاشگر پایین است. این مقیاس سه بُعد مهارگری توجهی (گویه‌های ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۴ و ۲۰)، بُعد مهارگری فعال‌سازی (گویه‌های ۱، ۴، ۷، ۱۳، ۱۶ و ۱۸) و بُعد مهارگری بازداري (گویه‌های ۳، ۶، ۹، ۱۲، ۱۵، ۱۷ و ۱۹) را می‌سنجد. روایی این پرسش‌نامه در پژوهش الیس و رتبارت (۲۰۰۱) مناسب گزارش شد.

در پژوهش کرامتی و همکاران (۱۴۰۰) یافته‌ها نشان داد ساختار مقیاس مهارگری تلاشگر برآزش قابل‌قبولی با داده‌ها دارد و کلیه شاخص‌های برازندگی نیز برآزش مدل را تأیید کردند. در پژوهش ایوانز و رتبارت (۲۰۰۷) پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای ابعاد مهارگری فعال‌سازی، مهارگری توجهی، مهارگری بازداري و نمره کل به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۸۳، ۰/۸۴ و ۰/۹۰ به دست آمد. همچنین پایایی آن از روش بازآزمایی با فاصله دوهفته‌ای به ترتیب برای ابعاد و نمره کل به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۹، ۰/۸۱ و ۰/۹۰ به دست آمد. در پژوهش کرامتی و همکاران (۱۴۰۰) ضرایب آلفای کرونباخ برای ابعاد مهارگری فعال‌سازی، مهارگری توجهی، مهارگری بازداري و نمره کل به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۶۱، ۰/۶۴ و ۰/۷۹ به دست آمد. در پژوهش حاضر، پایایی مؤلفه‌های مهارگری توجهی، مهارگری فعال‌سازی، مهارگری بازداري و نمره کل پرسش‌نامه به ترتیب برابر با ۰/۷۴، ۰/۶۴، ۰/۷۰ و ۰/۸۴ به دست آمد.

پرسش‌نامه همدلی تورنتو (۲۰۰۹): این پرسش‌نامه توسط اسپرنگ و همکاران در سال ۲۰۰۹ برای ارزیابی همدلی ساخته شد. پرسش‌نامه همدلی تورنتو با هدف جمع‌آوری کلیه پرسش‌نامه‌های مرتبط و هم‌جهت با فرایندهای همدلی تدوین شد و تمام کمبودهای موجود در توانایی ارزشیابی این پرسش‌نامه در آن مدنظر قرار داده شد. این پرسش‌نامه که مبتنی بر ۱۶ گویه است و یک مؤلفه را می‌سنجد، برای اولین بار در ایران توسط معماریان و همکاران (۱۴۰۰) ترجمه شد. نمره‌گذاری پرسش‌نامه به صورت (۵) همیشه، (۴) اغلب، (۳)

بسیاری از پژوهش‌های قبلی به بررسی روابط ساده و مستقیم بین این متغیرها پرداختند، درحالی‌که احتمالاً سازوکارهای پیچیده‌تری در این روابط نقش دارند؛ بنابراین، باتوجه‌به اینکه گرایش به انتقام مفهومی بسیار مهم بوده و آسیب‌های فراوانی برای کل افراد جامعه دارد و با عنایت به اینکه پژوهش‌ها نشان دادند مهارگری تلاشگر و همدلی می‌توانند گرایش به انتقام را پیش‌بینی کنند و از طرفی مهارگری تلاشگر با همدلی نیز مرتبط است؛ بنابراین هدف ما در این پژوهش پاسخ به این سؤال بود که رابطه بین متغیرهای گفته شده چگونه است و آیا می‌توان گفت همدلی در رابطه بین مهارگری تلاشگر و گرایش به انتقام نقش واسطه‌ای دارد؟ مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ نشان داده شده‌است.

روش

شرکت‌کنندگان

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش از نوع توصیفی-همبستگی با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. هدف اصلی پژوهش، بررسی نقش واسطه‌ای همدلی در رابطه بین مهارگری تلاشگر و گرایش به انتقام بود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بود. برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. با توجه به جدول مورندگان ۶۰۰ دانش‌آموز به عنوان نمونه انتخاب شدند. انتخاب نمونه آماری بدین صورت بود که از نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز، ابتدا دو ناحیه ۱ و ۴ انتخاب شدند؛ سپس تمام دبیرستان‌های هر دو ناحیه به طور جداگانه لیست شدند؛ از این دو لیست هشت مدرسه انتخاب شد و سپس از هر مدرسه چهار کلاس به عنوان نمونه برگزیده شدند. در ادامه پرسش‌نامه‌های کتبی در اختیار افراد نمونه قرار گرفت؛ ۳۳ پرسش‌نامه به دلیل مخدوش بودن حذف شدند و در نهایت ۵۶۷ پرسش‌نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

هر پژوهشی دارای معیارهای ورود و خروج نمونه آماری است. از جمله معیارهای ورود به این مطالعه می‌توان به رضایت کامل شرکت‌کنندگان برای تکمیل پرسش‌نامه‌ها اشاره کرد. همچنین، معیارهای خروج شامل عدم تمایل برای تکمیل، مخدوش بودن یا پاسخگویی ناقص به پرسش‌نامه‌ها و مقطع تحصیلی خارج از مقطع متوسطه دوم در نظر گرفته شد.

ابزار سنجش

در این پژوهش از پرسش‌نامه‌های مهارگری تلاشگر الیس و رتبارت (۲۰۰۱)، همدلی تورنتو (۲۰۰۹) و گرایش به انتقام فلورس-کاماچو و همکاران (۲۰۲۲) برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

و صداقت علمی و اطمینان دادن به مسئولین مدرسه و مدیران در این مورد که پرسش‌نامه‌ها صرفاً موضوعات مربوط به آنچه در پرسش‌نامه آورده شده را می‌سنجد، از الزام‌های دیگر پژوهش حاضر بود.

شیوه اجرا

پژوهشگران ابتدا پرسش‌نامه‌ها را تنظیم نموده و در طراحی آن‌ها ترتیب خاصی را رعایت کردند. به‌طور مشخص، پرسش‌نامه همدلی که از نظر تعداد گویه‌ها کوتاه بود، در ابتدای ارائه قرار گرفت؛ پس از آن، پرسش‌نامه نسبتاً طولانی‌تر به منظور ارزیابی مهارگری تلاشگر ارائه شد و در انتها، پرسش‌نامه گرایش به انتقام که کوتاه‌ترین پرسش‌نامه محسوب می‌شد ارائه گردید. هدف از این ترتیب، کاهش خستگی دانش‌آموزان در حین فرایند پاسخ‌دهی و ارتقای کیفیت داده‌های جمع‌آوری شده بود. در ادامه، پژوهشگران با مدیران مدارس منتخب تماس گرفته و اهداف پژوهش را به‌طور مفصل برای ایشان توضیح دادند. پس از تشریح اهمیت و ضرورت انجام پژوهش، مدیران با اجرای آن و توزیع پرسش‌نامه‌ها در مدارس موافقت کردند. پرسش‌نامه‌ها شامل دستورالعمل‌های دقیق و شفافی بودند تا دانش‌آموزان بتوانند به‌راحتی به سؤال‌ها پاسخ دهند؛ افزون بر این، پیش از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، این دستورالعمل‌ها به‌صورت شفاهی نیز برای دانش‌آموزان ارائه شد. در روز مقرر، پژوهشگران به مدارس مراجعه کرده و پس از ارائه توضیح‌های لازم درباره اهداف پژوهش و نحوه تکمیل پرسش‌نامه‌ها، آن‌ها را میان دانش‌آموزان توزیع نمودند. همچنین، مدت زمان پاسخگویی به پرسش‌نامه‌ها برای تمامی شرکت‌کنندگان، برابر با ۴۵ دقیقه در نظر گرفته شد.

پژوهشگران از این امر اطمینان حاصل کردند که تمامی دانش‌آموزان رضایت کامل خود را برای شرکت در پژوهش اعلام نمودند و تأکید بر این نکته شد که مشارکت در این پژوهش کاملاً اختیاری است؛ در صورت عدم تمایل، دانش‌آموزان می‌توانستند از شرکت در پژوهش انصراف دهند و همچنین در صورت منصرف شدن در حین تکمیل پرسش‌نامه، بدون هیچ گونه نگرانی، آن را به پژوهشگران تحویل دهند. به منظور رعایت اصول اخلاقی، به شرکت‌کنندگان تأکید گردید که نیازی به درج مشخصات هویتی خود نخواهند داشت و اطلاعات ارائه شده کاملاً محرمانه باقی خواهد ماند. در طول مدت پاسخگویی، پژوهشگران در دسترس بودند تا در صورت بروز هرگونه سؤال یا ابهام، راهنمایی‌های لازم را ارائه دهند. همچنین، جهت حفظ امانت و صداقت علمی، به مدیران و مسئولان مدارس اطمینان داده شد که پرسش‌نامه‌ها صرفاً موضوعات مربوط به پژوهش را مورد بررسی قرار می‌دهند. در پایان، پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، آن‌ها جمع‌آوری و به‌صورت محرمانه نگهداری شدند.

بعضی اوقات، (۲) به ندرت و (۱) هرگز است. گویه‌های ۲، ۴، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴ و ۱۵ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. به ادعای اسپرنگ و همکاران (۲۰۰۹) این پرسش‌نامه، نسخه‌ای موجز، شفاف و همگن است که دارای خصوصیات روان‌سنجی قوی با یک ساختار عاملی تک بُعدی با همسانی درونی بالا و اعتبار سازه و قابلیت اطمینان از آزمون مجدد بالا است. در پژوهش معماریان و همکاران (۱۴۰۰) این پرسش‌نامه هنجاریابی شده و روایی آن را مناسب گزارش کردند. در پژوهش اسپرنگ و همکاران (۲۰۰۹) پایایی این مقیاس ۰/۸۵ گزارش شد. در مطالعه کورموسی (۲۰۱۷) و معماریان و همکاران (۱۴۰۰) ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۰ و ۰/۷۷ محاسبه گردید. در پژوهش حاضر، پایایی کل پرسش‌نامه ۰/۷۹ بدست آمد.

پرسش‌نامه گرایش به انتقام فلورس - کاماچو و همکاران

(۲۰۲۲): فلورس - کاماچو و همکاران در سال ۲۰۲۲ مقیاس مختصر گرایش به انتقام را که متشکل از ۱۱ گویه بود، تهیه کردند. این مقیاس که در ایران برای اولین بار توسط طراویان و همکاران (۱۴۰۲) هنجاریابی شد، سه بُعد را ارزیابی می‌کند. کینه‌جویی (گویه‌های ۲، ۵، ۸ و ۱۱)، برنامه‌ریزی برای انتقام (گویه‌های ۴، ۱، ۱۰ و ۷) و توجیه انتقام (گویه‌های ۹، ۳ و ۶). از شرکت‌کنندگان خواسته شد یکی از پنج گزینه پاسخ که به‌صورت طیف لیکرت بود را انتخاب کنند. نمره‌گذاری سؤال‌ها به‌صورت (۱) کاملاً مخالفم، (۲) مخالف، (۳) نظری ندارم، (۴) موافق و (۵) کاملاً موافق است. در ابتدای مقیاس، شرکت‌کنندگان دستورالعمل زیر را می‌خوانند: «در زیر مجموعه‌ای از عبارت‌ها ارائه می‌شوند، لطفاً گزینه‌ای را که بهترین توصیف از دید شماست را مشخص کنید». شرکت‌کنندگان در رضایت آگاهانه مطلع شدند که این تست برای ارزیابی نگرش‌های مختلف مربوط به تلافی یا پاسخ به رفتارهای ناعادلانه است. در پژوهش فلورس-کاماچو و همکاران (۲۰۲۲) روایی این مقیاس مناسب گزارش شد و پایایی از روش آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های کینه‌جویی، برنامه‌ریزی برای انتقام، توجیه انتقام و نمره کل به ترتیب برابر با ۰/۷۵، ۰/۸۸، ۰/۷۰ و ۰/۸۷ به دست آمد. همچنین، در پژوهش طراویان و همکاران (۱۴۰۲) نیز پایایی نمره کل به روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب برابر با ۰/۹۲ و ۰/۹۰، برای کینه‌جویی ۰/۷۹ و ۰/۷۷، برای برنامه‌ریزی برای انتقام ۰/۸۱ و ۰/۷۹ و برای توجیه انتقام ۰/۷۳ و ۰/۶۳ به دست آمد و روایی آن نیز مناسب گزارش شد.

ملاحظات اخلاقی

آنچه در شرکت در یک پژوهش اهمیت دارد، احساس عدم اجبار برای این کار است؛ بنابراین با تمام احترام، هدف از اجرای این پژوهش برای شرکت‌کنندگان بیان شد و به آنان اطمینان داده شد که نیازی به نوشتن مشخصات هویتی خود ندارند. همچنین رعایت امانت

نتایج

مجموع شرکت کنندگان در این پژوهش ۵۶۷ نفر بودند که در بازه سنی ۱۶ تا ۱۸ سال قرار داشتند. ۱۶ ساله‌ها با فراوانی ۱۴۳ نفر (۲۵/۲ درصد)، ۱۷ ساله‌ها ۲۱۰ نفر (۳۷ درصد)، ۱۸ ساله‌ها ۱۹۵ نفر (۳۴/۴ درصد) و سن نامشخص ۱۹ نفر (۳/۴ درصد) بودند. همچنین ۳۴۲ نفر (۶۰/۳ درصد) از افراد شرکت کننده را دختر، ۲۲۲ نفر (۳۹/۲ درصد) پسر و ۳ نفر (۰/۵ درصد) جنسیت نامشخص تشکیل می دادند. همچنین، دامنه سنی این دانش آموزان ۱۵ تا ۱۸ بود. پیش از انجام تجزیه و تحلیل‌های اصلی، چند تحلیل مقدماتی جهت کسب بینشی اولیه در ارتباط با داده‌ها انجام گرفت. یافته‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمره و چولگی و کشیدگی است که به همراه ضرایب همبستگی در جدول ۱ نشان داده شده است.

به دلیل وجود چندین پرسش نامه، چیدمان این پرسش نامه‌های برای پاسخ دهندگان چگونه بود (ترتیب ارائه پرسش نامه‌های یکسان یا تصادفی بود)، مدت زمان پاسخ دهی چقدر بود. به این موارد در شیوه اجرا پاسخ داده شود.

شیوه تحلیل داده‌ها

داده‌های جمع آوری شده در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی تحلیل شدند. در بخش توصیفی، میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمره‌ها، چولگی و کشیدگی متغیرهای مورد مطالعه بررسی شد. در بخش استنباطی، داده‌های به دست آمده از پرسش نامه‌ها با استفاده از روش تحلیل مسیر و برآورد بیشینه درست نمایی^۱ و بوت استرپ با تعداد ۵۰۰۰ تا و با کمک نرم افزارهای SPSS-24 و AMOS-24 تحلیل شدند و فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفتند.

جدول ۱. ضرایب همبستگی متغیرهای آشکار پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
۱ مهارگری توجهی	۱							۱۸/۲۰	۵/۲۳	-۰/۰۱	-۰/۲۰
۲ مهارگری فعال سازی	۰/۵۲**	۱						۲۴/۸۸	۴/۸۱	-۰/۰۲	-۰/۱۲
۳ مهارگری بازداری	۰/۵۵**	۰/۵۵**	۱					۲۳/۸۲	۶/۰۱	-۰/۰۰۶	۰/۱۸
۴ همدلی	۰/۲۶**	۰/۳۵**	۰/۳۶**	۱				۵۸/۸۱	۱۰/۳۹	-۰/۰۰۴	-۰/۱۵
۵ کینه جویی	-۰/۳۳**	-۰/۲۶**	-۰/۳۵**	-۰/۳۸**	۱			۱۰/۶۰	۴/۴۶	۰/۰۵	-۰/۴۷
۶ برنامه ریزی برای انتقام	-۰/۳۳**	-۰/۲۶**	-۰/۳۷**	-۰/۳۷**	۰/۸۳**	۱		۹/۶۸	۴/۳۸	-۰/۱۴	-۰/۵۱
۷ توجیه انتقام	-۰/۲۷**	-۰/۲۶**	-۰/۳۱**	۰/۳۷**	۰/۷۸**	۰/۸۲**	۱	۷/۵۹	۳/۵۵	-۰/۱۴	-۰/۶۷

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می دهد. نتایج مقدار کجی و کشیدگی جهت تشخیص نرمال بودن داده‌ها ارائه شده است و همان طور که مشاهده می شود در تمامی متغیرها، مقدار کجی و کشیدگی در بازه $+2$ و -2 قرار دارد که این بیانگر انحراف نداشتن بیش از حد توزیع نمره‌های متغیرها از توزیع نرمال است. همچنین یافته‌ها نشان داد که هیچ کدام از مقادیر آماره تحمل کوچک تر از حد مجاز $0/1$ و هیچ کدام از مقادیر عامل تورم واریانس بزرگ تر از حد مجاز 10 نیستند. از آنجایی که وجود هم خطی چندگانه در متغیرهای پیش بین مشاهده نشد، می توان از آزمون‌های پارامتریک ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر استفاده نمود و نتایج آن قابل اطمینان است. از آنجایی که آماره دوربین واتسون بین $1/5$ تا $2/5$ بود و این نشان دهنده استقلال خطاها است و می توان از تحلیل مسیر استفاده کرد. علاوه بر این از آنجایی که یکی از مفروضه‌های

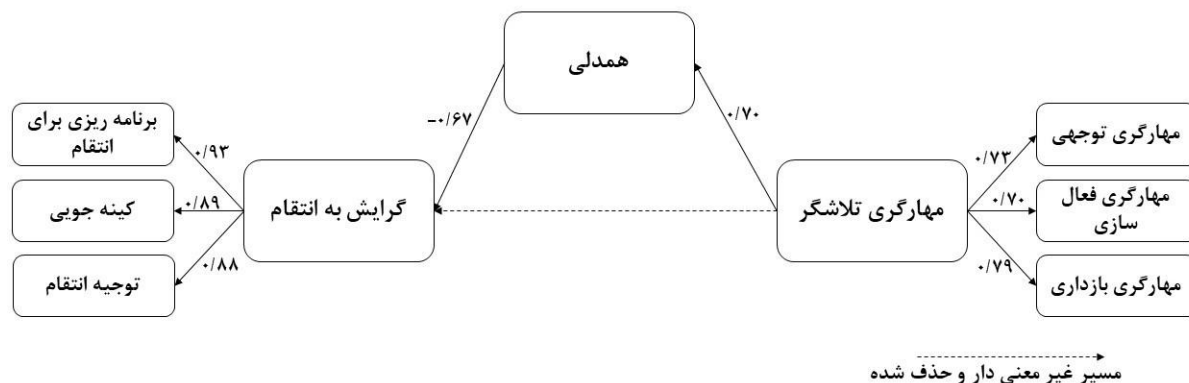
مهم در تحلیل مسیر وجود روابط همبستگی معنادار بین متغیرهاست، ضرایب همبستگی نیز بررسی شدند. یافته‌های جدول ۱ نشان داد مهارگری تلاشگر با گرایش به انتقام، همدلی با گرایش به انتقام رابطه منفی و معنی دار و گرایش به انتقام با همدلی رابطه مثبت و معنی دار دارد.

برای ارزیابی الگوی پیشنهادی از مدل معادلات ساختاری (SEM) استفاده شد و تمامی تحلیل‌ها با نرم افزار Amos-24 انجام گرفت. به منظور سنجش میزان برازش الگوی پیشنهادی با داده‌ها، از شاخص‌هایی مانند مجذور کای (X^2)، شاخص مجذور کای هنجار شده (X^2/df)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)، شاخص برازندگی هنجار شده (NFI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی افزایشی (IFI)، شاخص توکر-لوئیس (TLI) و جذر میانگین مجزورات خطای تقریب

¹ maximum likelihood

گرفت. شکل ۲، الگوی پیشنهادی را در حالت استاندارد نمایش می‌دهد.

(RMSEA) استفاده شد. الگوی پیشنهادی این پژوهش شامل سه متغیر مهارگری تلاشگر، همدلی و گرایش به انتقام است. پیش از بررسی ضرایب ساختاری، برازش الگوی اصلی مورد ارزیابی قرار



شکل ۲. الگوی پیشنهادی پژوهش در حالت استاندارد

جدول ۲. برازش الگوی پیشنهادی کلی براساس شاخص‌های برازندگی											
شاخص‌ها	X^2	df	X^2/df	GFI	AGFI	NFI	CFI	IFI	TLI	RMSEA	SRMR
مقادیر مطلوب	-	-	>2	>0.90	>0.90	>0.90	>0.90	>0.90	>0.90	<0.08	<0.08
مقادیر مدل	۲۳/۵۰	۱۲	۱/۹۵	۰/۹۸	۰/۹۷	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۰۴ (۰/۰۱-۰/۰۶)	<0.01

مقدار به ۱ نزدیک‌تر باشد نشان از برازش بهتر مدل دارد (کلاين، ۲۰۰۵). همچنین مقدار RMR برابر با صفر نشان‌دهنده تطابق کامل مدل با داده‌های مشاهده شده و عدم وجود هیچ‌گونه خطا است. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، تمامی مقادیر در بازه مناسب قرار دارند؛ بنابراین، مدل پیشنهادی برازش قابل‌قبولی با داده‌ها دارد. در ادامه مسیرهای مستقیم مدل پیشنهادی مورد بررسی قرار گرفت که یافته‌های آن در جدول ۳ ارائه شده‌است.

جدول ۲ برازش مدل پیشنهادی با داده‌ها براساس شاخص‌های برازندگی را نشان می‌دهد. برای بررسی برازش مدل پیشنهادی، شاخص‌های برازش مجذور خی (X^2) و ریشه میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA) که برای مدل‌های خوب کمتر از ۰/۰۵ و برای مدل‌های متوسط بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ و برای مدل‌های ضعیف‌تر بالاتر از ۰/۱ است (براون و کودک، ۱۹۹۲)، بررسی شدند. بر اساس یک قاعده کلی، شاخص‌های برازندگی تطبیقی (CFI) و نیکویی برازش (GFI)، در مدل‌های خوب بین ۰/۹ تا ۰/۹۵ است. هرچه این

جدول ۳. بررسی مسیرهای مستقیم مدل پیشنهادی

مسیر	داده	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معنی‌داری
مهارگری تلاشگر به همدلی	۱/۱۸	۰/۱۳	۹/۱۱	۰/۰۰۱
همدلی به گرایش به انتقام	-۰/۳۲	۰/۰۳	-۸/۴۴	۰/۰۰۱

حذف گردید). در ادامه به بررسی مسیر غیرمستقیم مدل پیشنهادی پرداخته شده‌است. یافته‌های بوت استراپ داد رابطه مهارگری تلاشگر با گرایش به انتقام با نقش میانجی همدلی (-۰/۴۶)، در حدبالای اطمینان (-۰/۴۱) و حدپایین فاصله اطمینان (-۰/۵۳) صفر را

همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، ضرایب مسیرهای مهارگری تلاشگر به همدلی ($\beta=1/18$ ، $p=0/001$) و همدلی به گرایش به انتقام ($\beta=-0/32$ ، $p=0/001$) معنی‌دار است (مسیر مهارگری تلاشگر به گرایش به انتقام به دلیل عدم معنی‌داری از مدل

توانایی درک و احساس درد و رنج دیگران، ممکن است به کاهش انتقامجویی کمک کند که در ادامه به تأثیر همدلی بر این پدیده پرداخته می‌شود (میتسوپولو و جیوازولیس، ۲۰۱۵). در نتیجه، اگرچه مهارگری تلاشگر می‌تواند تا حدودی در کاهش رفتارهای انتقامجویانه مؤثر باشد، اما نمی‌توان آن را تنها عامل تعیین‌کننده در این زمینه دانست. عوامل دیگری مانند باورهای فرهنگی، دیدگاه‌های فلسفی، شخصیت فردی و تجربه‌های زندگی، نیز نقش مهمی در شکل‌گیری گرایش به انتقام ایفا می‌کنند؛ بنابراین، برای درک کامل پدیده انتقام، باید به صورت جامع و چندبعدی به آن نگرست (الستر، ۱۹۹۰؛ جاکوبی، ۱۹۸۳).

در تبیین نقش واسطه‌ای همدلی در رابطه بین مهارگری تلاشگر و گرایش به انتقام می‌توان گفت مهارگری تلاشگر بالا می‌تواند به چندین روش احتمال تجربه همدلی را افزایش دهد. اولاً، توانایی تمرکز بر نشانه‌های مرتبط با همدلی که بخشی از فرایندهای مهارگری است، نقش مهمی در تجربه همدلی دارد. این توانایی به فرد کمک می‌کند تا بهتر بتواند احساس‌ها و نیازهای دیگران را درک کند و به آن‌ها پاسخ دهد. علاوه بر این، مهارت در تعدیل برانگیختگی عاطفی از طریق تغییر یا بازگرداندن تمرکز، می‌تواند به کنترل برانگیختگی همدلی کمک کند و از شدت بیش از حد آن جلوگیری کند (دریری و رید، ۲۰۰۲؛ ایزنبرگ و همکاران، ۱۹۹۶). این مهارت‌ها به فرد امکان می‌دهند تا در مواجهه با موقعیت‌های احساسی پیچیده، واکنش‌های مناسبی نشان دهد و از تصمیم‌گیری‌های عجولانه و ناپخته جلوگیری کند. توجه اجرایی که هسته اصلی مهارگری تلاشگر است (پونزر و رتبارت، ۲۰۰۷) نیز احتمالاً در پردازش و تفسیر اطلاعات مربوط به دیگران و احساس توانایی در مواجهه با احساس‌های منفی دیگران مؤثر است.

این نوع توجه به فرد کمک می‌کند تا بتواند به طور مؤثرتری با احساس‌های منفی دیگران مواجه شود و به آن‌ها پاسخ دهد. همچنین، مهارگری تلاشگر می‌تواند به فرد در انجام رفتارهای اجتماعی مبتنی بر همدلی، به‌ویژه زمانی که نیاز به از خودگذشتگی دارد، کمک کند (ایزنبرگ، ۲۰۱۰). این نوع رفتارها می‌توانند شامل کمک به دیگران در مواقع نیاز، نشان دادن حمایت عاطفی و انجام کارهای خیرخواهانه باشند. به‌طور کلی، مهارگری تلاشگر می‌تواند نقش مهمی در تقویت همدلی و کاهش گرایش به انتقام داشته باشد و به فرد کمک کند تا روابط اجتماعی سالم‌تر و مؤثرتری برقرار کند.

توانایی درک احساس‌ها و تجربه‌های دیگران، یعنی همدلی، نه تنها به افراد کمک می‌کند تا ارتباطات اجتماعی قوی‌تری برقرار کنند، بلکه به عنوان یک سد محکم در برابر رفتارهای تلافی‌جویانه نیز عمل می‌کند. مطالعه‌های متعدد نشان دادند که افراد با سطح بالای همدلی، تمایل کمتری به رفتارهای خشونت‌آمیز و انتقام‌جویانه دارند

دربر نمی‌گیرد، که نشان از معنی‌دار بودن این مسیر است ($p=0/007$)؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که همدلی نقش واسطه‌ای معناداری در رابطه بین مهارگری تلاشگر و گرایش به انتقام ایفا می‌کند.

بحث

این پژوهش باهدف بررسی نقش واسطه‌ای همدلی در رابطه بین مهارگری تلاشگر و گرایش به انتقام در نوجوانان انجام شد. یافته‌ها نشان داد مسیر مهارگری تلاشگر به گرایش به انتقام غیرمعنی‌دار و مسیرهای مهارگری تلاشگر به همدلی و همدلی به گرایش به انتقام معنی‌دار است. در نهایت یافته‌ها نشان داد همدلی در رابطه مهارگری تلاشگر و گرایش به انتقام نقش واسطه‌ای کامل دارد. یافته‌های این پژوهش درباره عدم معنی‌دار مسیر مهارگری تلاشگر به گرایش به انتقام با یافته‌های دی‌وال و همکاران (۲۰۱۱) ناهمسو است. همچنین معنی‌داری مسیر مهارگری تلاشگر به همدلی با یافته‌های هیرتنلهر و همکاران (۲۰۲۳) و جاواکیشولی و وازسونی (۲۰۲۲) همسو است. علاوه بر آن، یافته‌های به دست آمده درباره معنی‌داری مسیر همدلی به گرایش به انتقام با یافته‌های گانتیوا و همکاران (۲۰۲۱) و جولیف و فارینگتون (۲۰۰۴) همسو بود.

در تبیین عدم معنی‌داری مسیر مهارگری تلاشگر به گرایش به انتقام می‌توان گفت مهارگری تلاشگر، به عنوان توانایی فرد در کنترل تکانه‌ها و رفتارهای خود، اغلب به عنوان عاملی بازدارنده از رفتارهای انتقام‌جویانه تلقی می‌شود. با این حال، این رابطه همواره به صورت خطی و مستقیم برقرار نیست. گرایش به انتقام، تحت تأثیر عوامل فلسفی، فرهنگی و شخصیتی متنوعی شکل می‌گیرد و لزوماً با سطح مهارگری تلاشگر فرد ارتباط منفی ندارد. نگرش‌ها نسبت به انتقام در جوامع و فرهنگ‌های مختلف به شدت متفاوت است. در برخی فرهنگ‌ها، انتقام به عنوان عملی اخلاقی و حتی واجب تلقی می‌شود، درحالی که در برخی دیگر، به عنوان رفتاری غیراخلاقی و مخرب محکوم می‌شود. این تفاوت‌های فرهنگی عمیق، نشان می‌دهد که گرایش به انتقام بیشتر تحت تأثیر باورها و ارزش‌های فرهنگی فرد شکل می‌گیرد تا توانایی‌های خودتنظیمی او. علاوه بر عوامل فرهنگی، عوامل فلسفی نیز در شکل‌گیری گرایش به انتقام نقش مهمی ایفا می‌کنند.

برخی فلاسفه، انتقام را به عنوان یک واکنش طبیعی و قابل درک به ظلم و ستم می‌دانند، درحالی که برخی دیگر آن را به عنوان یک چرخه بی‌پایان از خشونت و انتقام می‌بینند. این دیدگاه‌های فلسفی متضاد، نشان می‌دهد که حتی افراد با سطح بالایی از مهارگری تلاشگر نیز ممکن است تحت تأثیر تفکرات فلسفی خاص، به انتقام گرایش پیدا کنند. علاوه بر این، یکی از عوامل شخصیتی که می‌تواند گرایش به انتقام را تحت تأثیر قرار دهد، همدلی است. همدلی به عنوان

از این رو، به کارگیری روش‌های مکمل جمع‌آوری داده‌ها، مانند مصاحبه‌های عمیق یا مشاهده‌های میدانی در محیط‌های غیرآزمایشی، می‌تواند به افزایش دقت و اعتبار یافته‌ها کمک کند. این روش‌ها قادرند اطلاعات بیشتری درباره زمینه‌های رفتاری و انگیزه‌های پاسخ‌دهندگان فراهم کنند و به درک عمیق‌تری از موضوع پژوهش منجر شوند. در نهایت، ترکیب روش‌های کمی و کیفی می‌تواند به تحلیل جامع‌تر و فهم بهتر پدیده‌های مورد مطالعه کمک کند. از آنجایی که این پژوهش جزء طرح‌های همبستگی بود یکی از محدودیت‌های آن این است که استنباط روابط علت و معلولی در مورد متغیرها با محدودیت مواجه است، لذا انجام پژوهش‌های طولی به منظور مشخص‌تر شدن روابط علی بین مهارگری تلاشگر، همدلی و گرایش به انتقام پیشنهاد می‌شود.

با توجه به نقش پررنگ همدلی در یافته پژوهش حاضر، مدارس باید برنامه‌های آموزشی را برای تقویت همدلی در دانش‌آموزان طراحی و اجرا کنند. فعالیت‌های گروهی، کارگاه‌های تعاملی، و بحث‌های گروهی در کلاس‌ها می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا توانایی همدلی خود را تقویت کنند. اگرچه مهارگری تلاشگر به تنهایی با گرایش به انتقام رابطه معناداری ندارد، تلفیق آن با آموزش همدلی می‌تواند تأثیرگذار باشد. مدارس باید به دانش‌آموزان کمک کنند تا از طریق تمرین‌های کنترل هیجان‌ها و تقویت همدلی، رفتارهای سازنده‌تری نشان دهند. معلمان نیز می‌توانند نقش مهمی در ترویج همدلی و مهارگری تلاشگر در کلاس‌های درس ایفا کنند. ارائه دوره‌های آموزشی به معلمان درباره چگونگی تشویق همدلی و کنترل هیجان‌ها در دانش‌آموزان می‌تواند به کاهش رفتارهای انتقام‌جویانه کمک کند. همچنین، فعالیت‌های گروهی که نیاز به همکاری و درک متقابل دارند، می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا همدلی را در محیط‌های واقعی تمرین کنند.

این نوع فعالیت‌ها می‌تواند شامل پروژه‌های گروهی، بازی‌های تیمی، و فعالیت‌های خلاقانه باشد که در آن‌ها همدلی و همکاری ضروری است. علاوه بر این، خدمات مشاوره‌ای مدرسه باید به گونه‌ای طراحی شوند که به تقویت همدلی در دانش‌آموزان کمک کنند. مشاوران می‌توانند از روش‌های مشاوره گروهی و فردی برای ارتقای همدلی و کنترل هیجان‌ها استفاده کنند و به دانش‌آموزان کمک کنند تا واکنش‌های مثبتی نسبت به موقعیت‌های تنش‌زا نشان دهند. در نهایت، با توجه به عدم ارتباط مستقیم مهارگری تلاشگر با گرایش به انتقام، مدارس باید برنامه‌های پیشگیری از رفتارهای انتقام‌جویانه را طراحی کنند که بیشتر بر روی تقویت همدلی تمرکز دارند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل آگاهی‌بخشی به دانش‌آموزان درباره تأثیرهای منفی انتقام و آموزش راه‌های جایگزین برای حل تعارض‌ها باشند.

(ایزنبرگ و میلر، ۱۹۸۷؛ هوگان، ۱۹۷۳؛ جولیف و فارینگتون، ۲۰۰۴؛ میلر و ایزنبرگ، ۱۹۸۸؛ زکی و اوکسندر، ۲۰۱۲). وقتی فردی می‌تواند خود را به جای دیگری قرار دهد و هیجان‌ها و دیدگاه او را درک کند، کمتر احتمال دارد که به او آسیب برساند یا بخواهد انتقام بگیرد. همدلی، به افراد کمک می‌کند تا به این درک برسند که همه افراد اشتباه می‌کنند و هیچ‌کس کامل نیست. همچنین، یاد می‌دهد که به جای تمرکز بر آسیب‌های وارده، به دنبال راه‌حلی برای بهبود روابط باشند (گاندی و همکاران، ۲۰۲۱).

در محیط‌های مختلف، از جمله مدارس، محل کار و جامعه، همدلی نقش بسیار مهمی در کاهش تنش‌ها و درگیری‌ها ایفا می‌کند. پژوهش‌ها نشان دادند که برنامه‌های آموزشی که بر تقویت همدلی تمرکز دارند، می‌توانند به طور مؤثری میزان زورگویی، خشونت و تبعیض را کاهش دهند (گاراندو و همکاران، ۲۰۱۶؛ ریگی، ۲۰۰۷؛ رابینسون و ماینز، ۱۹۹۷، ۲۰۰۸). علاوه بر این، همدلی به افراد کمک می‌کند تا با دیگرانی که دیدگاه‌ها و ارزش‌های متفاوتی دارند، به جای واکنش‌های منفی و تلافی‌جویانه، ارتباطی مبتنی بر درک و تفاهم برقرار کنند. با تمرکز بر درک احساس‌ها و موقعیت‌های دیگران، افراد کمتر به سمت انتقام‌جویی و خشونت‌گرایش پیدا می‌کنند. این مهارت به ویژه در جوامع چندفرهنگی که تنوع دیدگاه‌ها و ارزش‌ها زیاد است، از اهمیت بالایی برخوردار است (گاندی و همکاران، ۲۰۲۱)؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که همدلی نه تنها به بهبود روابط بین فردی کمک می‌کند، بلکه با کاهش تمایل به انتقام‌گیری و خشونت، به ایجاد جامعه‌ای امن‌تر و متعادل‌تر نیز کمک می‌کند.

پژوهش‌ها همیشه با محدودیت‌هایی روبرو هستند و این مطالعه نیز از این قاعده مستثنی نیست. از آنجا که نمونه‌های این پژوهش شامل دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر شیراز بودند، تعمیم نتایج به سایر جمعیت‌ها نیازمند احتیاط است. ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و آموزشی خاص این گروه ممکن است باعث شود که نتایج به دست آمده به طور کامل قابل تعمیم به دیگر گروه‌های سنی یا جغرافیایی نباشد. یکی از محدودیت‌های دیگر این پژوهش، استفاده از ابزارهای خودگزارشی به جای مشاهده مستقیم و بررسی رفتار واقعی است. ابزارهای خودگزارشی ممکن است تحت تأثیر تمایل شرکت‌کنندگان به ارائه پاسخ‌هایی قرار گیرند که از نظر آن‌ها بیشتر قابل قبول یا اجتماعی‌تر است که این امر می‌تواند باعث تحریف داده‌ها و نتایج شود. در نهایت، باید به محدودیت‌های مربوط به روش‌های آماری و تحلیل داده‌ها نیز توجه شود. استفاده از روش‌های آماری خاص ممکن است نتایج معینی را به دنبال داشته باشد که با استفاده از روش‌های دیگر ممکن است متفاوت باشد؛ بنابراین، در تفسیر نتایج این پژوهش، این محدودیت‌ها باید در نظر گرفته شده و نتایج با احتیاط تعمیم داده شوند.

قدردانی: نویسندگان از تمام کسانی که آنان را در انجام پژوهش حاضر یاری نمودند، کمال تشکر و قدردانی را دارند.

تعارض منافع: نویسندگان تعارض منافع ندارند.

حامی مالی: این مقاله بدون حمایت مالی هیچ نهاد خاصی انجام شد.

Reference

- Akin, M., Ozdevecioglu, M., & Unlu, O. (2012). The relationship between revenge intention and forgiveness tendency with mental health of employees in organizations. *Amme Idaresi Dergisi*, 45(1), 77-97.
- Balliet, D., & Pronk, T. M. (2013). Personality, self-control, and welfare-tradeoff ratios in revenge and forgiveness. *Behavioral and Brain Sciences*, 36(1), 16-75. <https://doi.org/10.1017/s0140525x12000349>
- Barber, L., Maltby, J., & Macaskill, A. (2005). Angry memories and thoughts of revenge: The relationship between forgiveness and anger rumination. *Personality and Individual Differences*, 39(2), 253-262. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2005.01.006>
- Barclay, L. J., Whiteside, D. B., & Aquino, K. (2014). To avenge or not to avenge? Exploring the interactive effects of moral identity and the negative reciprocity norm. *Journal of business ethics*, 121, 15-28. <https://doi.org/10.1007/s10551-013-1674-6>
- Batson, C. D., Fultz, J., & Schoenrade, P. A. (1987). Distress and empathy: Two qualitatively distinct vicarious emotions with different motivational consequences. *Journal of personality*, 55(1), 19-39. <https://doi.org/10.1111/j.1467-6494.1987.tb00426.x>
- Baumeister, R.F. (1997). *Evil: Inside Human Cruelty and Violence*. WH Freeman, New York.
- Blair, C., & Raver, C. C. (2015). School readiness and self-regulation: A developmental psychobiological approach. *Annual review of psychology*, 66(1), 711-731. <https://doi.org/10.1146/annurev-psych-010814-015221>
- Blankson, A. N., Weaver, J. M., Leerkes, E. M., O'Brien, M., Calkins, S. D., & Marcovitch, S. (2017). Cognitive and emotional processes as predictors of a successful transition into school. *Early education and development*, 28(1), 1-20. <https://doi.org/10.1080/10409289.2016.1183434>
- Bono, G., McCullough, M. E., & Root, L. M. (2008). Forgiveness, feeling connected to others, and well-being: Two longitudinal studies. *Personality and social psychology bulletin*, 34(2), 182-195. <https://doi.org/10.1177/0146167207310025>
- Browne, M. W., & Cudeck, R. (1992). Alternative ways of assessing model fit. *Sociological methods & research*, 21(2), 230-258. <https://doi.org/10.1177/0049124192021002005>
- Burnette, J. L., Davisson, E. K., Finkel, E. J., Van Tongeren, D. R., Hui, C. M., & Hoyle, R. H. (2014). Self-control and forgiveness: A meta-analytic review. *Social Psychological and Personality Science*, 5(4), 443-450. <https://doi.org/10.1177/1948550613502991>
- Bushman, B. J. (2002). Does venting anger feed or extinguish the flame? Catharsis, rumination, distraction, anger, and aggressive responding. *Personality and social psychology bulletin*, 28(6), 724-731. <https://doi.org/10.1177/0146167202289002>
- Calkins, S. D., Dollar, J. M., & Wideman, L. (2019). Temperamental vulnerability to emotion dysregulation and risk for mental and physical health challenges. *Development and psychopathology*, 31(3), 957-970. <https://doi.org/10.1017/S0954579419000415>
- Cardozo, B. L., Kaiser, R., Gotway, C. A., & Agani, F. (2003). Mental health, social functioning, and feelings of hatred and revenge of Kosovar Albanians one year after the war in Kosovo. *Journal of Traumatic Stress: Official Publication of The International Society for Traumatic Stress Studies*, 16(4), 351-360. <https://doi.org/10.1023/A:1024413918346>
- Carlo, G., Mestre, M. V., McGinley, M. M., Samper, P., Tur, A., & Sandman, D. (2012). The interplay of emotional instability, empathy, and coping on prosocial and aggressive behaviors. *Personality and Individual Differences*, 53(5), 675-680. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2012.05.022>
- Clemente, M., & Espinosa, P. (2021). Revenge in couple relationships and their relation to the Dark Triad. *International Journal of Environmental Research and Public*

- Health*, 18(14), 7653-7664.
<https://doi.org/10.3390/ijerph18147653>
- Deniz, M. (2006). The Relationship Between Attachment Styles and Childhood Abuse and Guilt-Shame in Adolescents. *Eurasian Journal of Educational Research (EJER)*, (22).
<http://www.trdizin.gov.tr/publication/paper/detail/TmpZeElqUTA>
- DeWall, C. N., Finkel, E. J., & Denson, T. F. (2011). Self-control inhibits aggression. *Social and personality psychology compass*, 5(7), 458-472.
<https://doi.org/10.1111/j.1751-9004.2011.00363.x>
- Eisenberg, N. (2010). Empathy-related responding: Links with self-regulation, moral judgment, and moral behavior. *Prosocial motives, emotions, and behavior: The better angels of our nature.*, 129-148.
<https://doi.org/10.1037/12061-007>
- Eisenberg, N., & Miller, P. A. (1987). The relation of empathy to prosocial and related behaviors. *Psychological bulletin*, 101(1), 91-119.
- Eisenberg, N., Fabes, R. A., Shepard, S. A., Murphy, B. C., Jones, S., & Guthrie, I. K. (1998). Contemporaneous and longitudinal prediction of children's sympathy from dispositional regulation and emotionality. *Developmental psychology*, 34(5), 910-924.
<https://doi.org/10.1037//0012-1649.34.5.910>
- Eisenberg, N., Spinrad, T. L., & Eggum, N. D. (2010). Emotion-related self-regulation and its relation to children's maladjustment. *Annual review of clinical psychology*, 6(1), 495-525.
<https://doi.org/10.1146/annurev.clinpsy.121208.131208>
- Eisenberg, N., Valiente, C., Spinrad, T. L., Cumberland, A., Liew, J., Reiser, M., ... & Losoya, S. H. (2009). Longitudinal relations of children's effortful control, impulsivity, and negative emotionality to their externalizing, internalizing, and co-occurring behavior problems. *Developmental psychology*, 45(4), 988-1008.
<https://doi.org/10.1037/a0016213>
- Eisenberger, R., Lynch, P., Aselage, J., & Rohdieck, S. (2004). Who takes the most revenge? Individual differences in negative reciprocity norm endorsement. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 30(6), 787-799.
<https://doi.org/10.1177/0146167204264047>
- Ellis, L. K., & Rothbart, M. K. (2001). *Revision of the early adolescent temperament questionnaire*. In Poster presented at the 2001 biennial meeting of the society for research in child development, Minneapolis, Minnesota.
- Elshout, M., Nelissen, R. M., & Van Beest, I. (2015). A prototype analysis of vengeance. *Personal Relationships*, 22(3), 502-523. <https://doi.org/10.1111/pere.12092>
- Elster, J. (1990). Norms of revenge. *Ethics*, 100(4), 862-885.
<https://doi.org/10.1086/293238>
- Evans, D. E., & Rothbart, M. K. (2007). Developing a model for adult temperament. *Journal of research in personality*, 41(4), 868-888.
<https://doi.org/10.1016/j.jrp.2006.11.002>
- Flores-Camacho, A. L., Castillo-Verdejo, D. L., & Penagos-Corzo, J. C. (2022). Development and Validation of a Brief Scale of Vengeful Tendencies (BSVT-11) in a Mexican Sample. *Behavioral Sciences*, 12(7), 215.
<https://doi.org/10.3390/bs12070215>
- Gandhi, A. U., Dawood, S., & Schroder, H. S. (2021). Empathy mind-set moderates the association between low empathy and social aggression. *Journal of interpersonal violence*, 36(3-4), NP1679-1697NP.
<https://doi.org/10.1177/0886260517747604>
- Gantiva, C., Cendales, R., Díaz, M., & González, Y. (2021). Is there really a relationship between empathy and aggression? Evidence from physiological and self-report measures. *Journal of interpersonal violence*, 36(7-8), 3438-3458.
<https://doi.org/10.1177/0886260518776999>
- Garandeau, C. F., Vartio, A., Poskiparta, E., & Salmivalli, C. (2016). School bullies' intention to change behavior following teacher interventions: Effects of empathy arousal, condemning of bullying, and blaming of the perpetrator. *Prevention science*, 17, 1034-1043. <https://doi.org/10.1007/s1121-016-0712-x>
- Giammarco, E. A., & Vernon, P. A. (2014). Vengeance and the Dark Triad: The role of empathy and perspective taking in trait forgivingness. *Personality and individual differences*, 67, 23-29.
<https://doi.org/10.1016/j.paid.2014.02.010>

- Gollwitzer, M., & Denzler, M. (2009). What makes revenge sweet: Seeing the offender suffer or delivering a message?. *Journal of Experimental Social Psychology*, 45(4), 840-844.
<https://doi.org/10.1016/j.jesp.2009.03.001>
- Gottfredson, M. R., & Hirschi, T. (1990). *A general theory of crime*. Stanford University Press.
<https://doi.org/10.1515/9781503621794>
- Graziano, P. A., Reavis, R. D., Keane, S. P., & Calkins, S. D. (2007). The role of emotion regulation in children's early academic success. *Journal of school psychology*, 45(1), 3-19.
<https://doi.org/10.1016/j.jsp.2006.09.002>
- Harrington, E. M., Trevino, S. D., Lopez, S., & Giuliani, N. R. (2020). Emotion regulation in early childhood: Implications for socioemotional and academic components of school readiness. *Emotion*, 20(1), 48-53.
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/emo0000667>
- Hill, A. L., Degnan, K. A., Calkins, S. D., & Keane, S. P. (2006). Profiles of externalizing behavior problems for boys and girls across preschool: the roles of emotion regulation and inattention. *Developmental psychology*, 42(5), 913-928.
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0012-1649.42.5.913>
- Hirtenlehner, H., Trivedi-Bateman, N., Baier, D., & Strohmeier, D. (2023). Does empathy attenuate the criminogenic effect of low self-control in late life?. *International Journal of Comparative and Applied Criminal Justice*, 47(1), 57-77.
<https://doi.org/10.1080/01924036.2021.1955219>
- Hogan, R. (1973). Moral conduct and moral character: A psychological perspective. *Psychological bulletin*, 79(4), 217-232.
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/h0033956>
- Jackson, J. C., Choi, V. K., & Gelfand, M. J. (2019). Revenge: A multilevel review and synthesis. *Annual Review of Psychology*, 70(1), 319-345.
<https://doi.org/10.1146/annurev-psych-010418-103305>
- Jacoby, S. (1983). *Wild Justice: The evolution of Revenge*. New York: Harper and Row.
- Javakhishvili, M., & Vazsonyi, A. T. (2022). Empathy, self-control, callous-unemotionality, and delinquency: Unique and shared developmental antecedents. *Child Psychiatry & Human Development*, 53(2), 389-402.
<https://doi.org/10.1007/s10578-021-01137-2>
- Jenni, O. (2021). Bereiche der Entwicklung—die Facetten des Kindes. *Die kindliche Entwicklung verstehen: Praxiswissen über Phasen und Störungen*, 59-172.
https://doi.org/10.1007/978-3-662-62448-7_2
- Jolliffe, D., & Farrington, D. P. (2004). Empathy and offending: A systematic review and meta-analysis. *Aggression and violent behavior*, 9(5), 441-476.
<https://doi.org/10.1016/j.avb.2003.03.001>
- Keramati H, Motaharnejad E, Kadivar P, Arabzade M. (2021). Investigating of factor structure, validity and reliability of the Effortful Control Scale (ECS) in Iranian adolescents. *Journal of Psychological Science*. 20(102), 837-848. [In Persian, 1400]
<http://dorl.net/dor/20.1001.1.17357462.1400.20.102.12.9>
- Klapwijk, E., van den Bos, W., & Güroglu, B. (2017). Neural mechanisms of criminal decision making in adolescence: The roles of executive functioning and empathy. In W. Bernasco, J.-L. Van Gelder, & H. Elffers (Eds.), *The Oxford handbook of offender decision making* (pp. 246-267). Oxford University Press.
- Kline, R. B. (2005). *Principles and practices of structural equation modeling* (2nd Eds.). New York: Guilford.
- Kourmoussi, N., Amanaki, E., Tzavara, C., Merakou, K., Barbouni, A., & Koutras, V. (2017). The Toronto empathy questionnaire: reliability and validity in a nationwide sample of Greek teachers. *Social Sciences*, 6(2), 62-76.
<https://doi.org/10.3390/socsci6020062>
- Leung, C. Y., Lumeng, J. C., Kaciroti, N. A., Chen, Y. P., Rosenblum, K., & Miller, A. L. (2014). Surgency and negative affectivity, but not effortful control, are uniquely associated with obesogenic eating behaviors among low-income preschoolers. *Appetite*, 78, 139-146.
<https://doi.org/10.1016/j.appet.2014.03.025>
- Litten, V., Roberts, L. D., Ladyshevsky, R. K., Castell, E., & Kane, R. (2020). Empathy and psychopathic traits as predictors of selection into business or psychology disciplines. *Australian Journal of Psychology*, 72(1), 93-105.
<https://doi.org/10.1111/ajpy.12263>

- Luo, S., Ban, Y., Qiu, T., & Liu, C. (2023). Effects of stress on school bullying behavior among secondary school students: Moderating effects of gender and grade level. *Frontiers in psychology*, 14, 1074476. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1074476>
- <https://doi.org/10.1146/annurev.psych.59.103006.093646>
- McCullough, M. E., Bellah, C. G., Kilpatrick, S. D., & Johnson, J. L. (2001). Vengefulness: Relationships with forgiveness, rumination, well-being, and the Big Five. *Personality and social psychology bulletin*, 27(5), 601-610. <https://doi.org/10.1177/0146167201275008>
- McGee, T. R., Jolliffe, D., Eriksson, L., Bond, C. E., & Farrington, D. P. (2021). Low cognitive empathy and its relationship to relational, online, and physical aggression in young adults in Australia. *Empathy versus Offending, Aggression and Bullying*, 172-187.
- Memarian, E., Manavipour, D., & Sedaghati Fard, M. (2021). Toronto Empathy Questionnaire: Evaluation of Psychometric Properties in a Sample of Iranian Students. *Social Cognition*, 10(19), 177-194. <https://doi.org/10.30473/sc.2021.58198.2664> [In Persian, 1400]
- Miller, P. A., & Eisenberg, N. (1988). The relation of empathy to aggressive and externalizing/antisocial behavior. *Psychological bulletin*, 103(3), 324-344. <https://doi.org/10.1037/0033-2909.103.3.324>
- Mitsopoulou, E., & Giovazolias, T. (2015). Personality traits, empathy and bullying behavior: A meta-analytic approach. *Aggression and violent behavior*, 21, 61-72. <https://doi.org/10.1016/j.avb.2015.01.007>
- Narvey, C., Yang, J., Wolff, K. T., Baglivio, M., & Piquero, A. R. (2021). The interrelationship between empathy and adverse childhood experiences and their impact on juvenile recidivism. *Youth violence and juvenile justice*, 19(1), 45-67. <https://doi.org/10.1177/1541204020939647>
- Perry, N. B., Calkins, S. D., Dollar, J. M., Keane, S. P., & Shanahan, L. (2018). Self-regulation as a predictor of patterns of change in externalizing behaviors from infancy to adolescence. *Development and psychopathology*, 30(2), 497-510. <https://doi.org/10.1017/S0954579417000992>
- Pilarska, A., & Baumeister, R. F. (2018). Psychometric properties and correlates of the Polish version of the Self-Control Scale (SCS). *Polish Psychological Bulletin*, 49(1), 95-106. <https://doi.org/10.24425/119476>
- Restubog, S. L. D., Zagenczyk, T. J., Bordia, P., Bordia, S., & Chapman, G. J. (2015). If you wrong us, shall we not revenge? Moderating roles of self-control and perceived aggressive work culture in predicting responses to psychological contract breach. *Journal of Management*, 41(4), 1132-1154. <https://doi.org/10.1177/0149206312443557>
- Rigby, K. (2007). *Bullying in schools and what to do about it: Revised and updated*. Acer Press.
- Robinson, G., & Maines, B. (1997). *Crying for help: The no-blame approach to bullying*. Bristol, UK: Lucky Duck.
- Robinson, G., & Maines, B. (2008). *Bullying: A complete guide to the support group method*. London, England: SAGE.
- Rothbart, M. K., & Bates, J. E. (2007). Temperament. *Handbook of child psychology*, 3.
- Shin, M., & Kemps, E. (2020). Media multitasking as an avoidance coping strategy against emotionally negative stimuli. *Anxiety, Stress, & Coping*, 33(4), 440-451. <https://doi.org/10.1080/10615806.2020.1745194>
- Spreng, R. N., McKinnon, M. C., Mar, R. A., & Levine, B. (2009). The Toronto Empathy Questionnaire: Scale development and initial validation of a factor-analytic solution to multiple empathy measures. *Journal of personality assessment*, 91(1), 62-71. <https://doi.org/10.1080/00223890802484381>
- Tangney, J., Baumeister, R., & Boone, A. (2004). High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success. *Journal of Personality*, 72(2), 271-334. <https://doi.org/10.1111/j.0022-3506.2004.00263.x>
- Taravian, S.; Nikdel, F.; Taghvaei Nia, A. (2023). *Investigating the Mediating Role of Empathy and Vengeful Tendencies in the Relationship Between Moral Identity and Effortful Control with Antisocial Behaviors in High School Students of Shiraz*. Master's Thesis, Yasouj University, Faculty of Humanities. (Persian)

- Taylor, Z. E., Eisenberg, N., Spinrad, T. L., Eggum, N. D., & Sulik, M. J. (2013). The relations of ego-resiliency and emotion socialization to the development of empathy and prosocial behavior across early childhood. *Emotion*, 13(5), 822-831. <https://doi.org/10.1037/a0032894>
- Trivedi-Bateman, N., & Crook, E. L. (2022). The optimal application of empathy interventions to reduce antisocial behaviour and crime: a review of the literature. *Psychology, Crime & Law*, 28(8), 796-819. <https://doi.org/10.1080/1068316X.2021.1962870>
- Uzun, G. Ö. (2018). Vengeance scale: reliability and validity study with gender differences. *Quality & Quantity*, 52(Suppl 2), 1455-1469.
- Vachon, D. D., Lynam, D. R., & Johnson, J. A. (2014). The (non) relation between empathy and aggression: surprising results from a meta-analysis. *Psychological bulletin*, 140(3), 751-773. <https://doi.org/10.1037/a0035236>
- Volk, A. A., Dane, A. V., & Al-Jbouri, E. (2022). Is adolescent bullying an evolutionary adaptation? A 10-year review. *Educational Psychology Review*, 34(4), 2351-2378. <https://doi.org/10.1007/s10648-022-09703-3>
- Wang, F. M., Chen, J. Q., Xiao, W. Q., Ma, Y. T., & Zhang, M. (2012). Peer physical aggression and its association with aggressive beliefs, empathy, self-control, and cooperation skills among students in a rural town of China. *Journal of interpersonal violence*, 27(16), 3252-3267. <https://doi.org/10.1177/0886260512441256>
- Yoshimura, S. (2007). Goals and emotional outcomes of revenge activities in interpersonal relationships. *Journal of Social and Personal Relationships*, 24(1), 87-98. <https://doi.org/10.1177/0265407507072592>
- Ysseldyk, R., Matheson, K., & Anisman, H. (2007). Rumination: Bridging a gap between forgivingness, vengefulness, and psychological health. *Personality and individual differences*, 42(8), 1573-1584. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2006.10.032>
- Zaki, J., & Ochsner, K. N. (2012). The neuroscience of empathy: progress, pitfalls and promise. *Nature neuroscience*, 15(5), 675-680. <https://doi.org/10.1038/nn.3085>